

چشم‌اندازی از زندگانی علمی علامه قزوینی



حسین روحانی صدر*

چکیده

این نوشتار که به بهانه انتشار مجموعه هشت جلدی یادداشت‌های علامه قزوینی نگاشته شده - مروری است بر زندگانی علمی محمد قزوینی، تحصیلات، استادان و فعالیت‌هایش در حوزه نسخه‌شناسی، تصحیح متون و پژوهش در منابع اولیه اسلامی و همچنین فعالیت‌های علمی او در داخل و خارج از کشور در حوزه منابع ایرانی - اسلامی، معرفی دوستان و همکاران ایرانی و خارجی وی، و برخی نگرش‌هایش در خصوص بزرگان زبان و ادب فارسی.

کلید واژه‌ها:

قزوینی، محمد، ۱۲۵۶ - ۱۳۲۸ / پژوهشگران / فعالیت‌های پژوهشی. زندگی فرهنگی. تصحیح متون

محمد قزوینی فرزند عبدالوهاب قزوینی معروف به ملا آقا،^۱ در محله دروازه قزوین شهر تهران، در پانزدهم ربیع الاول سال ۱۲۹۴ق. / سی ام مارس ۱۸۷۷م. متولد گردید.^۲

محمد کوچک اندام و باریک چهره،^۳ تحصیلات مقدماتی صرف و نحو را نزد پدر فرزانه خویش آغاز کرد. با فوت پدرش ملا آقا، سرپرستی وی را استاد شمس العلماء، شیخ محمد مهدی قزوینی عبدالرب آبادی (از رفقای پدرش) عهده دار گردید،^۴ و جهت استفاده از محضر استادانی چون سید مصطفی مشهور به قنات آبادی، شیخ محمد صادق تهرانی و شیخ فضل الله نوری، در مدرسه معیر الممالک نامنویسی کرد و از آنجا در محضر شیخ علی نوری در مدرسه مروی حاضر شد. محضر مرحوم ملا محمد آملی و آقا حسن آشتیانی را، در مدرسه خازن الملک درک کرد،^۵ و از مجلس محاضره ای شیخ هادی نجم آبادی در منزلش، واقع در حسن آباد بهره مند شد. در تابستانها نیز همه روزه در صحن امامزاده صالح تجریش، معانی و بیان را از محضر سید احمد ادیب پیشاوری فراگرفت.^۶

از دیگر فرهیختگانی که حق تعلیم و تربیت به گردن قزوینی داشته، محمد حسن اصفهانی متخلص به فروغی و ملقب به ذکاء الملک است. علامه قزوینی، مقالاتی از عربی به فارسی برمی گردانده و در اختیار مجله تربیت ایشان می گذاشته است.^۷ از آنجا بود که با دو فرزند ایشان، محمد علی (ذکاء الملک) و ابوالحسن آشنا شد و آموختن زبان فرانسه را ابتدا در نزد آنان آغاز کرد.^۸ پس از آن، با احتیاط خاصی فراگیری فرانسه را در مدرسه آلیانس تهران دنبال کرد.^۹

در کنار تحصیل، به تدریس نیز اشتغال داشت. از جمله شاگردان آن دوره اش، دو پسر شیخ فضل الله نوری، ضیاء الدین و حاجی میرزا هادی بودند.^{۱۰} استاد، از علاقه مفرطی که نسبت به مقابله نسخ

خطی قدیمی داشت، به دعوت برادر خویش، احمد، در پنجم ربیع الثانی ۱۲۸۳ق. / هفدهم اوت ۱۸۶۶م. از راه روسیه، آلمان و هلند وارد لندن شد.^{۱۱} در آن شهر ضمن استفاده از منابع، موفق به تصحیح چاپ چهارم چهار مقاله عروضی سمرقندی گشت^{۱۲} و با شرق شناسانی چون بوان، متخصص در ادبیات عرب بویژه اشعار دوره جاهلی و مخضرمیها آشنا شد^{۱۳} و با راهنمایی ایشان، با امنای موقوفه گیب از جمله الس، کتابدار سابق موزه ملی بریتانیا، آشنا گردید.

ادوارد براون، رئیس امنای اوقاف گیب،^{۱۴} با ویژگیهای منحصر به فردش چون رسیدگی به امور مادی و معنوی اهل علم و دستگیری از فقیران و مسکینان، علامه را به خود جذب کرد.^{۱۵} از این رو، پیشنهاد ادوارد براون را در زمینه تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی،^{۱۶} به میل باطن پذیرا شد و جهت مطالعات تکمیلی درباره این طرح علمی، عازم پاریس شد،^{۱۷} و با مصحح جامع التواریخ، ادگار بلوشه، یکی از کتابداران کتابخانه ملی پاریس، جهت تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی همراه گردید^{۱۸} و ضمن تحقیق و مطالعه درباره منابع اولیه اسلامی، با شرق شناسانی چون هرتویک درنبروک، باریه دومنار، میه و هوارت آشنا شد.^{۱۹} همچنین با مهاجران «استبداد صغیر» محمد علی شاهی چون علی اکبر دهخدا،^{۲۰} سید نصرالله اخوی^{۲۱} و پورداوود، دیدار کرد.^{۲۲}

با بالا گرفتن جنگ جهانی اول، استاد به دعوت حسینقلی نواب، در سال ۱۹۱۵م. / ۱۳۳۳ق. از راه سوئیس عازم آلمان گردید.^{۲۳} در برلین، همکاریهای با سید حسن تقی زاده و همفکرانش چون فضلعلی آقا مجتهد تبریزی، حسین کاظم زاده، محمد علی تربیت، محمد رضا مساوات^{۲۴} در انجمن «کمیته ایرانی» و کاوه آغاز کرد^{۲۵} و مقالاتی چون رسم الخط^{۲۶} و قدیمی ترین شعر فارسی بعد از اسلام^{۲۷} منتشر ساخت و با مستشرقانی چون مارکوارت، زاخائو، موریتز، هارتمن، مان، میتووخ، فرانک و سباستیان بک، آشنا شد.^{۲۸} اما

وی متأسف از آن بود که در طول مدت اقامت خود در آلمان، موفق به ملاقات نولدکه نشد.^{۲۹}

پس از اتمام جنگ، با حمایت مالی^{۳۰} رجال سیاسی ایران چون ذکاءالملک فروغی و نصرت‌الدوله فیروز وزیر خارجه و حسن وثوق‌الدوله رئیس‌الوزرای وقت،^{۳۱} جهت اتمام تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی، از راه سوئیس به پاریس بازگشت،^{۳۲} و بیش از پانزده سال، به مقابله سیزده نسخه تاریخ جهانگشای جوینی همت گماشت.

در این دوران با کازانوا، استاد زبان عربی و گابریل فران، مدیر روزنامه آسیائی ژورنال آزیاتیکی آشنا گردید.^{۳۳} همچنین با عباس اقبال آشتیانی مقیم تهران، به مبادله نامه‌های علمی مبادرت ورزید.^{۳۴} از دیگر کسانی که با قزوینی دوستی داشت، میرمحمد حسن عمیدالملک حسابی بود.^{۳۵}

در پاریس نیز از سال ۱۳۰۰ش. / ۱۹۲۱م. مقالاتی چون «طهران»،^{۳۶} «قدیمی‌ترین کتاب در زبان فارسی حالیه»^{۳۷} و کتاب «راحة‌الصدور»^{۳۸} را درباره سبک نگارش راحة‌الصدور و نیز «قصیده معزی»^{۳۹} را منتشر ساخت.

علامه، در طول اقامت جدید خود، اهتمام خاصی نسبت به مطالعه دستاوردهای محققان ایرانی - اسلامی به خرج داد. از جمله، ایشان از شیوه نگارش جمالزاده بویژه در کتاب «فارسی شکر است»، حمایت کرد و احمد کسروی را به سبب تألیف مقاله «آذری یا زبان باستان آذربایگان»، عالمی فاضل برشمرد^{۴۰} و از پورد اوود، در باب ترجمه جلد اول یشتها به فارسی، اظهار خرسندی کرد.^{۴۱}

او، با دقت مقالات و مطالبی را که درباره زبان و ادب فارسی در ایران و نقاط دیگر منتشر می‌گشت، دنبال می‌کرد و از کسانی که شیوع لغات عربی را در زبان فارسی به شاعران و نویسندگان فارسی زبان دوران اسلامی منتسب کرده‌اند، انتقاد جدی می‌کرد.^{۴۲}

علامه قزوینی، چندین نفر را در سلیقه علمی می‌پسندید؛ یکی تقی‌زاده بود که در واقع خود را باز تربیت شده ایشان می‌دانست. دیگر بدیع‌الزمان فروزانفر بود. فروزانفر هم بهره بسیار از ایشان می‌برد. نیز بعضی جوانها را تشویق می‌کرد و قریحه آنها را می‌پسندید. به اطلاعات و شامه لغوی دهخدا خیلی معتقد بود.^{۴۳}

همچنین از کمبود سفرنامه‌نویسان در میان مسلمانان گله‌مند بود و معتقد بود، از فاضلان مسلمان، کم‌تر کسی همت یا جرئت سفر پرخطر عربستان را جهت تنظیم سفرنامه به خود هموار ساخته، یا اگر هم باشند، سیاحتنامه‌ای از خود منتشر نساخته‌اند.^{۴۴}

اما سیاحان نامسلمان، به قصد تحصیل اطلاعات جغرافیا، تاریخ و آثار قدیمه یا برای بعضی اغراض سیاسی، به انواع حیل از قبیل تبدیل لباس و زبان و توسل به مذهب بهره بردند و از جمیع راحتهای زندگی نوین اروپائی، با طیب خاطر صرف نظر کردند و انواع صدمات و مشقات را همچون خستگی، گرما، بیماری و شترسواری در صحراهای طولانی و خشک سوزان عربستان افزون بر هزار گونه خطرهای جانی و مالی، بر خود هموار ساختند و در شبه جزیره عربستان سیاحت کردند و سیاحتنامه‌های بسیار مفید دلکش - که از هر رمانی مطبوع‌تر و جذاب‌تر است - به زبانهای لاتینی منتشر کردند.^{۴۵}

علامه قزوینی، پس از کسب شهرت فراوان در زمینه ایران اسلامی، به نمایندگی ایران در کنگره بین‌المللی مستشرقان در لندن شرکت کرد^{۴۶} و چون آن روزها مصادف با اولین سالهای فوت براون بود، وی در مقاله‌ای،^{۴۷} براون را نعمت خداداد و گنج بادآورده و یکی از اتفاقات حسنه نادره طبیعت معرفی کرد و فعالیت‌های علمی او را در زمینه شناخت و توسعه معارف ایرانی - اسلامی گرامی داشت و مبارزه وی را با منافع کشورش ستود^{۴۸} و خواستار تأسیس مؤسسه‌ای برای تصحیح منابع

کمیاب ایرانی - اسلامی به نام «ادوارد براون» شد.^{۴۹} قزوینی، در مدت اقامت خود در اروپا، سه، چهار کتاب، تصحیح، تألیف و ترجمه کرد و به چاپ رساند که از این قرار است: قسمتی از جلد اول از تذکره الشعراء عوفی موسوم به *لباب الألباب*، *مرزبان نامه*، *المعجم فی معائیر اشعار العجم* تألیف شمس قیس رازی، ترجمه *لوايح جامی* به فرانسه، رساله در شرح حال مسعود سعد سلمان که فقط ترجمه انگلیسی آن به قلم براون به طبع رسیده بود و تذکره *الاولیای شیخ عطار*.^{۵۰}

قزوینی، از انتشار دیوان شاعران به سبک جدید، بسیار خرسند بود؛ اما از مقدمه‌ای که سید عبدالرحیم خلخالی بر دیوان خواجه نگاشت و در آن، اهانتها و اتهامهای بی پایه‌ای به حافظ بست، به سختی برآشفست. قزوینی، حافظ را شیعی مذهب دانسته است.^{۵۱}

وی، دیدگاههای خویش را راجع به شاهنامه، در مقاله‌ای ذیل عنوان مقدمه قدیم شاهنامه شرح داد و ابتدا توضیحی درباره انواع شاهنامه‌ها و همچنین تحمیدیه‌هایی که به صورت نثر در برخی نسخ موجود است، آورد و در ادامه، حول محور تاریخچه آن سخن راند و در انتها، به منابع و مآخذی اشاره کرد که یا شاهنامه برگرفته از آنهاست و یا آنها از شاهنامه بهره برده‌اند.^{۵۲} همچنین، مقاله‌ای در احوال کمال‌الدین بهزاد نقاش، از کتاب *حبیب‌السیر* غیاث‌الدین خواندمیر استخراج کرد.^{۵۳}

قزوینی، پس از چندی در پورت دورلثان در پشت بوستان (پارک) مونسر منزل گزید و در آنجا تدریس روش تدقیق و نقد ادبی را آغاز کرد،^{۵۴} و وسعت علم و اطلاع شرقی را، با روح تحقیق و انتقاد دانشمندان مغرب زمین در وجود خود گردآورد. بسیار می‌خواند و کم‌تر می‌نوشت. کارش در تحقیق و استقصای مطالب به وسواس کشید و گاهی، روزها و ماهها برای یافتن صورت صحیح کلمه، واقعه یا تاریخی، کلیه مصادر و مآخذ را

بررسی می‌کرد و نوشته‌هایش، بارها قلم می‌خورد و حذف و اضافه و حواشی متعدد داشت.^{۵۵}

وزارت معارف، در سال ۱۳۱۰ش. / ۱۹۳۱م.^{۵۶} استنساخ و عکسبرداری از برخی منابع اسلامی ایران را، به وی سپرد. استاد، ابتدا تاریخ بیهق را همراه با شرح و تفصیلی از فعالیت‌های ابوالحسن بیهق، نویسنده کتاب تهیه کرد.^{۵۷} سپس *مونس الاحرار فی دقایق الاشعار*، تألیف محمدبن بدر جاجرمی، شاعر قرن هفتم و هشتم را فراهم کرد که مشتمل بر قصاید و غزلیات و مقطعات و رباعیات از حدود دویست نفر از شاعران فارسی زبان است.^{۵۸}

عتبه‌الکتابه، از مجموعه منشآت منتجب‌الدین بدیع اتابک جوینی، منشی سلطان سنجر سلجوقی و رئیس دیوان رسائل او، یکی از مهم‌ترین منابعی است که استاد، ضمن عکسبرداری و استنساخ از مقایسه دو نسخه مصر و لنینگراد، مطالب درخور تأملی را از آن به صورت مستقل استخراج کرد و نسخه محفوظ در کتابخانه خدیوی مصر را، اصل دانست.^{۵۹}

پس از آن، نسخه‌برداری از مجموعه کتاب *التوسل الی التوسل* موجود در لیدن هلند را آغازید^{۶۰} و در اردیبهشت ۱۳۱۲ش. / مه ۱۹۳۳م، در پی آشنائی با حسین علا، سفیر وقت ایران در پاریس، با انجمن «تحقیقات راجع به علوم و صنایع ایران»، به معرفی برخی منابع اصیل اسلامی در آنجا پرداخت.^{۶۱}

از این رو، مدرسه السنه شرقیه پاریس و کتابخانه ملی و کلژ دفرانس، مکرر از قزوینی خواستند تبعه فرانسه شود تا به او کرسی استادی داده شود.^{۶۲}

قزوینی متوسط‌القامه، لاغر، نحیف، رنگ پریده و مبتلا به سوءهاضمه، با مزاجی حساس،^{۶۳} در سال ۱۳۱۸ش. / ۱۹۳۹م. به علت بروز جنگ بین‌الملل دوم و دشواری اقامت خارجیان در اروپا، با همه بیماری و مشکلاتش، بناچار با همسرش روزا و تنها دخترش سوزان (ناهد)،^{۶۴} با قطار به بالکان و پس از اقامتی چند در اسلامبول و همنشینی با علمای



ایرانی مقیم در آنجا، به خانقین رفت و پس از سی و شش سال، از راه کرمانشاه،^{۶۵} همدان و قزوین، به تهران آمد.^{۶۶} در طبقه دوم منزل علی شایگان، واقع در خیابان حشمت‌الدوله ساکن شد^{۶۷} و فعالیتهای علمی خویش را در زمینه تصحیح متون قدیم^{۶۸} دنبال کرد و دوستان به بهانه تصحیح تاریخ کرمان، مبلغی جهت تهیه منزل در اختیارش گذاشتند.^{۶۹}

از آن پس، قاسم غنی، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ را در محضر وی تهیه و تنظیم کرد.^{۷۰} چرا که به اعتقاد قزوینی، حافظ بدون هیچ استثنا، کسی است که اشعارش مستجمع جمیع محاسن لفظی و معنوی شعر و جمیع مزایای صورتی و حقیقی کلام بلیغ است و خود او، افصح فصیحی اولین و آخرین و املح شعرای متقدمین و متأخرین، و نسبت به کلیه ستارگان قدر اول شعر، در حکم آفتاب درخشان است.^{۷۱}

بعدها همراه با علی اکبر دهخدا، سید نصرالله تقوی، حسین شکوه، حسین سمیعی، حسن اسفندیاری و

قاسم غنی، در جلساتی که علی اکبر سیاسی در دفتر کاخ برگزار می کرد، شرکت می جست.^{۷۲}

علامه قزوینی، بر گردن محققان نسلهای پس از خود حق بزرگی دارد. او، پیشگام و رهگشای راهی سخت و دراز بود؛ راهی که پیش از او، کسی در ایران در آن طریق گام اساسی برنداشته بود. قزوینی آنچه نوشت، از آثار برگزیده تحقیقی زمان ماست، حتی یادداشتهای پراکنده و تنظیم نشده اش! زیرا او در نوشتن هر نکته و مطلبی، دقت و بصیرت فوق تصویری پیشه می کرد و وسواس علمی کم نظیری داشت که موجب برجستگی آثارش شد.^{۷۳}

این بیمار شیفته گل،^{۷۴} برای استراحت بیش تر، در ده حصار بوعلی شمیران^{۷۵} ساکن شد. اما به تدریج دست و پایش از کار افتاد؛ تا اینکه در روز جمعه ۶ خرداد ۱۳۲۸ ش. / ۷۲ مه ۱۹۴۹ م.، در شهر تهران درگذشت.^{۷۶}

دوستان و ارادتمندانش، یادداشتهای پراکنده وی را در هشت جلد فراهم کردند و برای استفاده اهل علم و حفظ نام و یاد آن مرد فرزانه، منتشر ساختند.

بی‌نوشتها

- ۱- قاسم غنی، *یادداشتهای قاسم غنی*، به کوشش سیروس غنی (تهران: زوار، ۱۳۶۷)، ج هشتم، ص ۱۳۲.
- ۲- محمد قزوینی، *بیست مقاله قزوینی*، با مقدمه ابراهیم پورداود، چ دوم (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲)، ج یکم و دوم، ص ۷.
- ۳- ایرج افشار، *یادداشتهای قزوینی*، چ سوم (تهران: علمی، ۱۳۶۳)، ج یکم و دوم، ص ۱۵.
- ۴- قزوینی، *پیشین*، ص ۱۱.
- ۵- همان، ص ۷.
- ۶- همان، ص ۹.
- ۷- غنی، *پیشین*، ص ۱۳۳.
- ۸- قزوینی، *پیشین*، ص ۱۱.
- ۹- غنی، *پیشین*.

- ۱۰- قزوینی، پیشین، ص ۱۲.
- ۱۱- همان، ص ۱۳.
- ۱۲- غنی، پیشین.
- ۱۳- قزوینی، پیشین، ص ۱۳.
- ۱۴- محمد قزوینی، «وفات ادوارد براون انگلیسی»، بیست مقاله قزوینی، پیشین، ص ۳۲۲.
- ۱۵- همان، ص ۳۱۳.
- ۱۶- عظاملک بن محمد جوینی، تاریخ جهانگشای جوینی، به تصحیح محمد قزوینی، چ چهارم (تهران: ارغوان، ۱۳۷۰)، ج یکم، ص ح.
- ۱۷- قزوینی، بیست مقاله قزوینی، ص ۱۵.
- ۱۸- جوینی، پیشین، ص ی.
- ۱۹- قزوینی، پیشین، ص ۱۵.
- ۲۰- همان، ص ۱۶.
- ۲۱- همان.
- ۲۲- افشار، پیشین، ص ۹.
- ۲۳- قزوینی، پیشین، ص ۱۷.
- ۲۴- همان، صص ۲۰-۲۱.
- ۲۵- همان، ص ۱۸.
- ۲۶- محمد قزوینی، «رسم الخط»، بیست مقاله قزوینی، پیشین، ص ۳۱.
- ۲۷- محمد قزوینی، «قدیمی ترین شعر فارسی»، بیست مقاله قزوینی، همان، ص ۳۴.
- ۲۸- قزوینی، بیست مقاله قزوینی، همان، صص ۲۱-۲۳.
- ۲۹- همان، ص ۲۳.
- ۳۰- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، اسناد نخست وزیری، شماره تنظیم ۴۱-۱۱۶۰۰۴، شماره پاکت ۱۰۹۵.
- ۳۱- غنی، پیشین، ص ۱۳۹.
- ۳۲- قزوینی، پیشین، ص ۲۶.
- ۳۳- همان، صص ۲۷-۲۹.
- ۳۴- همان، ص ۲۹.
- ۳۵- همان.
- ۳۶- محمد قزوینی، «طهران»، بیست مقاله قزوینی، همان، ص ۴۶.
- ۳۷- محمد قزوینی، «قدیمی ترین کتاب در زبان فارسی حالیه»، همان، ص ۶۲.
- ۳۸- محمد قزوینی، «کتاب راحة الصدور»، همان، ص ۷۰.
- ۳۹- محمد قزوینی، «مکتوب از پاریس»، همان، ص ۹۷.
- ۴۰- محمد قزوینی، «آذری یا زبان باستان آذربایگان»، همان، ص ۱۷۸.
- ۴۱- محمد قزوینی، «مکتوبی به آقای پورداود»، همان، ص ۳۳۴.
- ۴۲- قزوینی، بیست مقاله قزوینی، همان، صص ۹۷ و ۱۰۰.
- ۴۳- غنی، پیشین، ج سوم، ص ۵۷۱.
- ۴۴- قزوینی، پیشین، ص ۱۳۶.
- ۴۵- غنی، پیشین، ج پنجم، ص ۱۸۸.
- ۴۶- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، اسناد نخست وزیری، شماره تنظیم ۹۱-۱۱۶۰۰۴، شماره پاکت ۱۰۹۷.
- ۴۷- غنی، پیشین، ج هشتم، ص ۱۴۷.
- ۴۸- محمد قزوینی، «وفات استاد ادوارد براون انگلیسی»، بیست مقاله قزوینی، پیشین، ص ۲۹۹.
- ۴۹- همان، ص ۳۲۴.
- ۵۰- همان، صص ۲۹-۳۰.
- ۵۱- محمد قزوینی، «مکتوب از پاریس»، پیشین، ص ۹۵.
- ۵۲- همان، ص ۹۰.
- ۵۳- محمد قزوینی، «دو سند تاریخی راجع به بهزاد»، همان، ص ۲۶۸.
- ۵۴- غنی، پیشین، ص ۱۳۴.
- ۵۵- یحیی آرین پور، از نیما تا روزگار ما، چ چهارم (تهران: زوار، ۱۳۸۲)، ص ۱۰۹.
- ۵۶- محمد قزوینی، مقدمه کتاب «عتبة الکتبه»، بیست مقاله قزوینی، پیشین، ص ۲۱۸.
- ۵۷- محمد قزوینی، تاریخ بیهقی، ص ۱۰۴.
- ۵۸- محمد قزوینی، مونس الاحرار، همان، ص ۱۸۴.
- ۵۹- همان، ص ۲۱۸.
- ۶۰- محمد قزوینی، «مقدمه کتاب التوسل الى التوسل»، همان، ص ۲۵۶.
- ۶۱- محمد قزوینی، «تمه صوان الحکمه»، همان، ص ۱۲۸.
- ۶۲- غنی، پیشین، ص ۱۳۴.
- ۶۳- همان، ص ۱۴۱.
- ۶۴- همان، ج سوم، صص ۳۸۲-۳۸۳.
- ۶۵- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، اسناد نخست وزیری، شماره تنظیم ۴۱-۱۱۶۰۰۴، شماره پاکت ۱۰۹۶.
- ۶۶- غنی، پیشین، ج هشتم، ص ۱۳۹.
- ۶۷- همان، ج سوم، صص ۳۸۲-۳۸۳.
- ۶۸- آرین پور، همان.

۶۹- غنی، پیشین.

۷۰- همان، صص ۱۵۰-۱۵۱.

۷۱- محمدعلی جمالزاده، *آشنائی با حافظ*، به کوشش علی دهباشی (تهران: سخن، ۱۳۷۹)، ص ۱۷.

۷۲- غنی، پیشین، ج یکم، ص ۲۰۱.

۷۳- افشار، پیشین، ص ۲۸.

۷۴- محمد قزوینی، *یادداشتهای قزوینی*، به کوشش حسین نمینی (تهران: نشر فروزان، ۱۳۶۲)، ص ۵۹.

۷۵- غنی، پیشین، ج پنجم، ص ۱۸۸.

۷۶- آرین پور، پیشین.



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تاریخ کتبه ۱۳۹۱/۱۰/۲۷

شماره / ۲۷۰۲۰ / ۸۰۰۵

مقام منبع هیئت محترم وزراء معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

بمنوب بقرارداد منعقد شده بین وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و آقای قزوینی تصحیح کتاب تاریخ جهانگشای جوینی بنسبت و آقای قزوینی واگذار شد که مبلغ دفتد و پنجاه تومان بابت تسطدوم حق الزحمه مشارالیه باید بپاریس حواله اوله بگذرا مستدعی است تصویب فرمائید مساعدت میلنمیزور از اسرار دولت باختیار این وزارتخانه گذارده شود که هر چه زودتر حق الزحمه آقای قزوینی بپاریس حواله گردد

۱۵
۶



تقریر
۶/۱۲/۹۱

کامیته قزوینی
ابجاء ردیف اسناد مستظرفه

۹/۱۲/۱۲





مورخه ۵/۷ ماه ۲۰۰۳

نمبر ۲۱۴۴

ضمیمه

ریاست وزراء

بیت وزراء در صبح هر روز در ۱۳۰۷ بوجب تهیه و خدمت سبقت دولت
و صنایع علاوه تقویب از درج سبقت در آن برای ترویج سبقت های پژوهشی
فردی که سبقت نماید که دولت بعد از آن بوجب اجرت دولت کفایت نماید
پایس و مجمع بین المللی سبقتی که در ۱۳۰۷ است آینه در کشور و سبقت خود را اعلام کرده
در هر وقت در بیان دولت برآورد در سبقتی این بر خسته خواهد بود

Handwritten signatures and stamps in Persian script.

تاریخ: ۱۳۰۷/۵/۷
شماره: ۳-۱

۱۹
۵



۲ - در گذر غمزه در برهه غمزه کبره
 در لایحه در اردو بهت بحالیه صفت مده با کبره در
 بهدش ابره نه به رتبه رود گو، راه همراه آه
 مرکز اگر صدر و به کبره کبره آه در مده
 در به سحر کند در در اولی و کبره
 لام الله آری کو انار کبره

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، معاونت اسناد ملی، اسناد نخست وزیری
 شماره تنظیم ۴۱-۱۱۶۰۰۴، شماره پاکت ۱۰۹۶





تجربش ۱۳۱۹ منزل محمد علی فرزین: از راست به چپ محمدعلی فرزین
محمد فروزی، محمدعلی فروغی (ذکاء الملک)، دکتر غنی.



محمد فروزی و دکتر غنی